

## رهبری امام خمینی(ره) در دفاع مقدس مبتنی بر گفتمان فرهنگی شباهت محور

دکتر محمد شفیعی فر\*

محمد الوندی\*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۲/۳۰

### چکیده

آنچه که امروزه در تحلیل جنگ‌ها مورد نظر کارشناسان نظامی قرار می‌گیرد و رویکرد آنها را نسبت به جنگ مشخص می‌نماید، توجه به ارکان سخت افزاری موجود در رویارویی با دشمن است. در این رویکردها، کشورها دارای ظرفیت مشخص سخت افزاری و یک رشته منافع ملی عینی و بیرونی در جهان خارجی و ارجحیت‌های پیشینی معینی هستند که تصمیم‌گیری‌های عرصه نبرد را بر اساس یک منطق ابزاری و انتخاب عقلانی بر مبنای آن قرار می‌دهند. پرداختن به دفاع مقدس با این رویکرد ما را به بن بست در تحلیل می‌رساند؛ چرا که بر مبنای رویکرد رئالیستی، کشوری که در برابر دشمن دارای ظرفیت‌های سخت افزاری یکسانی نیست عملاً راهی جز تسلیم ندارد. این در حالی است که ایران توانست در برابر هجمه همه جانبه عراق که با تکیه بر توان نظامی جهانی صورت پذیرفت در جنگ پیروز شود. یکی از جنبه‌های اصلی که ما را در تحلیل دفاع مقدس یاری می‌کند توجه به ظرفیت اسلام و رهبری جامعه اسلامی در بسیج و جلب مشارکت داوطلبانه مردم به عنوان رکن اصلی دفاع که از آن به نیروی انسانی تعبیر می‌شود، می‌باشد. امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب اسلامی در طول دوران دفاع مقدس با استفاده از ظرفیت‌های موجود در آموزه‌های اسلامی با ایجاد یک گفتمان فرهنگی مبتنی بر شباهت‌جویی به عناصر اصیل آموزه‌های اسلامی، مانند فرهنگ عاشورا، جنگ احد، تحمل مشقات و سختی‌ها در

\* - استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران؛

\*\* - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مدرسی انقلاب اسلامی دانشگاه تهران؛ Alvandi62@gmail.cim

جنگ توسط پیامبر و اهل بیت(ع) و مؤلفه‌ها و آموزه‌های اخلاقی اسلام، سعی در القای یک هویت جدید به مردم ایران بر اساس شباهت‌جویی به رفتار اهل بیت نمود و گستره و جغرافیای جدیدی را در مبارزه بر اساس اسلام ایجاد نمود که ضامن حضور مردم در جبهه‌ها بود. امام(ره) با تکیه بر الگوگیری و شباهت‌جویی به رفتار اهل بیت و یاران با وفای ایشان در جنگ‌ها سعی در اعمال رهبری و ترغیب افراد مسلمان جامعه ایران به حضور در جبهه‌های نبرد نمود تا بدین طریق هم اسباب رشد و هدایت مردم را به واسطه پیروی از آموزه‌های اصیل اسلامی فراهم نماید و هم مبتنی بر این گفتمان، جنگ را رهبری نمایند. این مقاله درصدد است ضمن بازنمایی عناصر و مؤلفه‌های فرهنگی به کار رفته توسط حضرت امام(ره) در ایجاد گفتمان فرهنگی شباهت محور، به آموزه‌های اصیل اسلامی کیفیت و نقش این گفتمان را در رهبری عرصه نبرد نشان دهد.

**کلیدواژه‌ها:** رهبری امام خمینی(ره)، دفاع مقدس، گفتمان فرهنگی شباهت محور، اهل بیت(ع)

## ۱. بیان مسأله

امروزه رویکردهایی در تحلیل جنگ‌ها بر ادبیات نظامی سایه افکنده که بیشتر بر جنبه‌های یکسان‌پنداری کشورها و غفلت از ساختارهای فرهنگی - گفتمانی و جنبه‌های جمعی ناخودآگاه و پنهان یک ملت در دفاع از خود استوار است. در این رویکردها - به‌ویژه در مکتب رئالیسم - کشورها و دولت‌ها دارای ظرفیت مشخص سخت افزاری و یک رشته منافع ملی عینی و بیرونی در جهان خارجی و ارجحیت‌های پیشینی معینی هستند که فارغ از تاثیر ساختارهای غیر مادی و فرهنگی - گفتمانی، در محیط بین الملل و منطقه‌ای به پی گیری و تعقیب آن می‌پردازند و تصمیم‌گیری‌های عرصه نبرد را بر اساس یک منطق ابزاری و انتخاب عقلانی بر مبنای ظرفیت‌های موجود سخت افزاری قرار می‌دهند. رمز پیروزی ایران در دفاع مقدس را بایستی فراتر از تحلیل‌های رئالیستی و انتخاب عقلانی دید، چرا که مبتنی بر این رویکرد در تحلیل دفاع مقدس، انقلاب اسلامی بایستی در ابتدای جنگ تحمیلی به خاطر کمک‌های همه جانبه نظام جهانی به عراق از بین می‌رفت. این مقاله بر آن است که در تبیین جنگ تحمیلی و عوامل مؤثر بر آن، از نگاه سخت افزاری، یعنی قدرت تسلیحات، ژئوپلیتیک و اقتصاد فراتر رفته و با دیدگاه نرم‌افزاری، مبتنی بر بررسی ساختارهای معنایی به کار رفته در ادبیات نوپدید امام خمینی(ره) به عنوان شاخصه اصلی اعمال رهبری ایشان و ترغیب مردم به مشارکت داوطلبانه در دفاع مقدس بپردازد.

**سؤال:** مبنای رهبری امام خمینی (ره) در دفاع مقدس بر چه اساسی استوار بود؟

**فرضیه:** امام خمینی (ره) از طریق بیان آموزه‌های اصیل اسلامی و شباهت‌جویی به رفتار پیامبر و ائمه اطهار سلام الله در قالب ایجاد یک گفتمان شباهت محور، توانست مشارکت مردم ایران، جهت حضور در دفاع مقدس و حمایت و پشتیبانی از آن را جلب نماید.

**هدف و روش تحقیق:** این مقاله در صدد است که براساس روش هرمنوتیک و تفسیر بینامتنی و مبتنی بر بررسی ادبیات گفتاری امام خمینی در زمان جنگ تحمیلی، ضمن بازنمایی عناصر و مؤلفه‌های به کار رفته توسط حضرت امام (ره) در ایجاد گفتمان شباهت محور به آموزه‌های اصیل اسلامی در دفاع مقدس، کیفیت و نقش این گفتمان را در رهبری دفاع مقدس توسط امام خمینی (ره) بررسی نماید.

## ۲. مقدمه

یکی از قابلیت‌های مدیریت و رهبری جوامع در دوره جدید، بسیج کردن، سامان و سازمان دادن و نیز کنترل امکانات و نیروهای انسانی و مادی جامعه در مسیر اهداف و آرمان‌های اجتماعی و رشد و تعالی جامعه است. در مواقع بحرانی و خطیر که کیان و حیثیت جامعه در معرض تهدید قرار می‌گیرد، این امر حساس‌تر و ضروری‌تر می‌شود که نیاز به بسیج منابع و امکانات به هر طریق ممکن دارد. جنگ بارزترین نمونه این شرایط اضطراری است که با وجود امکانات سخت افزاری و مادی جنگ، وجود و حضور گسترده مردم در عرصه، هم به عنوان پشتوانه روحی-روانی و هم به عنوان نیروی نظامی و عوامل فعال و ارادی انسانی در کاربرد امکانات سخت افزاری تعیین کننده است.

با توجه به هدف رهبری در اسلام که هدایت، رشد یا ارشاد مردم می‌باشد به همین منظور رهبر جامعه اسلامی در صدد است که از طریق بسیج کردن، سامان دادن، سازمان دادن و کنترل نیروهای انسانی و به کار بردن آنها در مسیر رشد جامعه، مقدمات افزایش بلوغ روحی، شایستگی و قدرت تشخیص سود و زیان و بهره برداری صحیح از وسایل و سرمایه‌های حیات توسط مردم را فراهم نماید. رهبری این کار را نه با کاربرد زور، بلکه با هنر یا فرآیند نفوذ و اثر گذاری انجام می‌دهد و بدین ترتیب سعی در ترغیب افراد به انجام اعمال داوطلبانه در راستای اهداف جامعه

می‌نماید. امام خمینی (ره) به عنوان بنیان‌گذار انقلاب و جمهوری اسلامی در مقام رهبری کلان جامعه و فرمانده کل قوا در دوره دفاع مقدس، نوع جدیدی از رهبری و فرماندهی را به منصفه ظهور گذاشت که بسیار کارآمد و مؤثر بود و ضمن دفاع از کیان جمهوری اسلامی و استقلال کشور، تعجب و حیرت جهانیان را برانگیخت. با توجه به عدم توازن تسلیحاتی و سیاسی بین ایران و عراق و حمایت همه جانبه مادی، اطلاعاتی، سیاسی و اقتصادی قدرت‌های جهانی از صدام و به‌هم‌ریختگی اوضاع سیاسی - اقتصادی و نظامی ایران در شرایط انقلاب و جنگ، تصور اولیه بر شکست ایران و پیروزی صدام بود و برخی انتظار پایان قریب الوقوع جنگ به نفع صدام را داشتند. اما پس از هشت سال دفاع مقدس، نه تنها این رؤیا تحقق نیافت، بلکه این جمهوری اسلامی بود که سرفراز از جنگ بیرون آمد و رژیم عراق همراه با صدام دچار مشکلات و مسائلی غیرقابل پیش بینی شد. در این عرصه تاریخی، نقطه قوت جمهوری اسلامی ایران، حضور داوطلبانه خیل عظیم نیروهای مردمی داوطلب و عاشق شهادت بود که ماشین جنگی مجهز صدام و امکانات سخت افزاری اهدایی قدرت‌های جهانی را بی اثر ساخت و از کار انداخت. این حضور گسترده و داوطلبانه در صحنه نبرد، مدیون هنر مدیریت و رهبری امام خمینی در جامعه بود.

این معنا زمانی قابل فهم است که ما تمامی هستی‌شناسی سیاسی را در یک کشور اسلامی صرفاً به ساختارهای سیاسی، قدرت و دولت محدود نکنیم، چرا که حکومت اسلامی بر پایه نظریه امت و امامت استوار بوده که موجب رابطه‌ای مستقیم بین امت و امام می‌باشد و این بخش جدای از ارتباط غیر مستقیم امام با امت از طریق ساختارهای سیاسی است. در این تعامل دو طرفه بین امام و امت می‌توان با پرداختن به ساختارهای زبانی به کار رفته توسط امام جامعه و کاربردهای آن در ترغیب افراد به مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی جامعه، فضای اصلی حاکم بر هستی سیاسی در جامعه اسلامی را به دست آورد و از طریق تحلیل ادبیات به کار رفته توسط امام جامعه اسلامی در تعامل با امت که روشنگر فضای حاکم فکری و سیاسی در جامعه اسلامی است، می‌توان به دنیای پنهان و ناشناخته‌ای از «امر سیاسی» و «هستی سیاسی» راه برد که به نحوی شاکله ساختارهای سیاسی موجود در جامعه را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ چرا که زبان پیوند تنگاتنگی با میل سیاسی، انسان سیاسی، ایدئولوژی و قدرت دارد. پس لازم است تا بار دیگر، از طریق تحلیل زبان نمادین و استعاره‌ای به کار رفته توسط حضرت امام خمینی (ره) در ارتباط با جامعه ایران در بستر

دفاع مقدس به دنبال افق‌های جدیدی در تحلیل و مطالعه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بود. این رویکرد جدید در تحلیل جنگ را می‌توان براساس گفتمان نوپدید امام (ره) براساس شباهت‌جویی به الگوهای صدر اسلام و استفاده از متن شباهت‌نما در سخنرانی‌های ایشان جستجو کرد.

سؤال این است که امام خمینی (ره) از چه طریقی توانست مشارکت داوطلبانه مردم جهت حضور در عرصه دفاع مقدس را جلب نماید؟ این امر متکی به چه ذخیره و ظرفیت نهفته در فرهنگ اسلامی- ایرانی جامعه بود و حاوی چه گفتمانی بود؟

در پاسخ به سؤال‌های مذکور، این فرضیه مطرح می‌شود که امام خمینی (ره) از طریق بیان آموزه‌های اصیل اسلامی و شباهت‌جویی به رفتار پیامبر و ائمه اطهار (ع) در قالب ایجاد یک گفتمان شباهت‌محور، توانست مشارکت مردم ایران را جهت حضور در دفاع مقدس و حمایت و پشتیبانی از آن جلب نماید.

امام خمینی (ره) توانست با ایجاد یک گفتمان فرهنگی شباهت‌محور به عناصر اصیل اسلامی مانند فرهنگ عاشورا و سنت پیامبر و اهل بیت (ع) در جنگ‌ها، و ترغیب جامعه به شباهت‌جویی به آموزه‌های صدر اسلام که ریشه در اصالت این آموزه‌ها دارد، شاکله و قالب فکری و عملی مردم را بر اساس آن گفتمان شکل دهد. این گفتمان فرهنگی اسلامی به نحوی بود که در تمام مراحل انقلاب و به‌ویژه در دفاع مقدس به عنوان خواست عمومی مردم ایران تلقی گردید و امام (ره) توانست با استفاده از رضایتمندی عمومی صورت گرفته نسبت به گفتمان فرهنگی اسلامی، اراده عمومی را در برخورد با دشمنان در دفاع مقدس بازتولید نموده و از طریق ایجاد یک گفتمان فرهنگی شباهت‌محور به الگوهای اصیل صدر اسلام، به مقابله با حملات رژیم بعث علیه ایران و رهبری جنگ پردازد.

### ۳. ضرورت پرداختن به گفتمان جنگ تحمیلی به عنوان مبنای رهبری امام خمینی (ره)

همانا کاربرد زبان، نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌ها، گویای وضعیت سوژه‌های (عوامل مؤثر) گفتمان جنگ و بازتاب دنیای ناخودآگاهانه مردم ایران در مقابله با دشمن است. چرا که نشانه‌ها، نمادها و استعاره‌ها در روان‌کاوی، کلید ورود به ناخودآگاه فردی و جمعی و هستی‌شناسی سیاسی

یک جامعه به شمار می‌رود.

منظومه دال‌های گفتمان جنگ تحمیلی که در حقیقت همان نظام معنایی، دلالتی و نمادین آن بخشی از ادبیات سیاسی نوپدید حضرت امام (ره) می‌باشد که بر مبنای آن امام (ره) توانست با ایجاد هویتی جدید بر مبنای آموزه‌های اصیل اسلام در مردم ایران، عناصر بیگانه ستیزی آنان را نیز بر مبنای اسلام تعریف نموده و برجسته نماید. که ما می‌توانیم از طریق نشانه‌شناسی و روان‌کاوی عناصر زبانی (نشانه‌ها و نظام دلالتی، نمادها و استعاره‌های) به کار رفته در ادبیات سیاسی امام (ره) به آن راه یابیم. این اثر به دنبال نادیده گرفتن چند علیتی بودن مدیریت جنگ تحمیلی نیست. بلکه به دنبال راهی است که رهبری امام خمینی در جنگ تحمیلی را - به عنوان یکی از عوامل اصلی پیروزی ایران در برابر عراق - از زاویه‌ای متفاوت (تبارشناسانه، نشانه‌شناسانه و روان‌کاوانه) کالبد شکافی نماید و در ضمن به جنبه‌های «پنهان» در درون گفتمان نوپدید امام در جنگ تحمیلی و «عناصر بیگانه ستیزی» در آن به گونه‌ای مستند بپردازد.

#### ۴. مفاهیم و مباحث نظری

##### الف. مفهوم رهبری

اگر مفهوم رهبری در اسلام به معنی «هدایت و رشد یا ارشاد و رشد» (مطهری، ۱۳۷۳: ۲۳۵) باشد و مقصود از رشد را بلوغ روحی مردم و افزایش شایستگی و قدرت تشخیص سود و زیان و لیاقت اداره و بهره‌برداری صحیح از وسایل و سرمایه‌های حیات توسط آنها بدانیم؛ رهبری به منزله «مدیریت فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها در مسیر رشد آنان است» (همان: ۲۳۵). که در آن، «رهبر نه با کاربرد زور، بلکه با هنر یا فرآیند نفوذ و اثر گذاری، سعی در ترغیب افراد به انجام اعمال داوطلبانه در راستای اهداف گروهی جامعه را دارد. چرا که کاربرد زور بدون همراهی داوطلبانه و آزادانه مردم نه تنها موجب رشد نمی‌گردد بلکه به نحوی از اثر بخشی و عملکرد بهتر و اخلاقی‌تر رهبر که شاخصه اساسی رهبری اوست می‌کاهد» (رضائیان، ۱۳۷۹: ۳۷۵). بنابراین می‌توان رهبری را فراگرد نفوذ اجتماعی از طریق اعمال اخلاقی و اثر بخش دانست که در آن رهبر جامعه اسلامی به منظور رشد افراد جامعه، مشارکت داوطلبانه آنان را برای کسب اهداف جامعه طلب می‌کند.

از سوی دیگر «رهبری به منظور جلب مشارکت داوطلبانه مردم جهت حضور در عرصه‌های گوناگون بایستی توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران را به نحوی که تضمین‌کننده اطاعت و فرمانبرداری آنان باشد داشته باشد» از این مطلب، جوزف نای تعبیر به قدرت نرم می‌نماید (Nye, 2002: 9-10). این توانایی از طریق «جاذبیتی» که یک مکتب فکری می‌تواند فراهم نماید حاصل می‌شود. یک مکتب فکری چنانچه پاسخ‌گوی نیازهای عمومی مردم باشد و افکار عمومی را جهت حضور در عرصه‌های مختلف اقناع کند می‌تواند جذابیت لازم را برای اطاعت و فرمانبرداری داوطلبانه فراهم نماید. در این بین آنچه که به عنوان منبع مولد قدرت رهبری به صورت غیرملموس می‌تواند جذابیت لازم را برای اطاعت‌پذیری و فرمانبری عمومی فراهم نماید، ایجاد گفتمان فرهنگی جذابی است که در جامعه حاکم می‌شود.

## ب. تعریف فرهنگ

ارائه تعریفی واحد از مفهوم فرهنگ که از ویژگی جامعیت و مانعیت برخوردار باشد بسیار دشوار است و مردم‌شناسان و صاحب‌نظران عرصه مطالعات فرهنگی همواره از منظرها و نظریات گوناگونی به این مفهوم کلیدی علوم اجتماعی نگریسته‌اند. برای مثال «یوهان هرردر»<sup>۱</sup> از چشم‌اندازی هرمنوتیک، فرهنگ را عبارت از معنای خاصی می‌داند که یک گروه انسانی به زندگی مشترک خود می‌دهد. «ادوارد تیلور»<sup>۲</sup> فرهنگ را یک مجموعه کلی می‌پندارد که شامل دانش، عقیده، هنر، اخلاق، قانون، سنت و دیگر توانایی‌ها و عاداتی می‌باشد که فرد به عنوان عضوی از جامعه تحصیل می‌کند. به نظر وی فرهنگ الگوی منسجمی از عقاید و رفتارهاست که انسان از طریق یادگیری آن را کسب نموده و به نسل‌های بعدی منتقل می‌سازد. «راجر کیسینگ»<sup>۳</sup> نیز فرهنگ را نظامی از عقاید مشترک، مفاهیم، قواعد و معانی‌ای که در شیوه‌های زندگی انسان ظهور و بروز می‌یابند قلمداد می‌کند (Fischer, 2006: 27 - 35). که می‌توان از آن به عینیت بخشی یا تجلی معنا در ساختارها، روش و شیوه‌های زندگی و آداب و رسوم یاد کرد.

با این حساب و در مجموع می‌توان فرهنگ را به معنای مجموعه آداب و رسوم، هنرها، شیوه

<sup>1</sup>Johann Herder

<sup>2</sup>Edward Taylor

<sup>3</sup>Roger Keesing

زندگی و نیز سازمان اجتماعی یک کشور یا گروه خاص در نظر گرفت که باورها، نگرش‌ها و عقاید یک ملت در آنها عینیت یافته است.

### ج. تعریف گفتمان و قدرت گفتمانی

در این مقاله، واژه «گفتمان» به گونه‌ای مترادف و هم معنا با واژگان «سخن» در نظم گفتار «متن»، زبان، «کنش - گفتار» و «کردار گفتاری» به کار رفته است. گفتمان، «کاربرد زبان به سان کردار اجتماعی است. کارکردی اجتماعی که رابطه‌ای دیالکتیکی با ابعاد اجتماعی دیگر دارد. به طور عام کاربرد زبان، متن، گفتار، تعاملات و ارتباطات کلامی تحت عنوان گفتمان مورد بررسی قرار می‌گیرند» (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۱).

گفتمان هم سازنده و هم برساخته است [بدین معنی که هم سازنده تعاملات اجتماعی است و هم خود متأثر از آن] و نه تنها در تولید و باز تولید ساختارهای خاص به کار می‌رود، بلکه در آن به زبان به عنوان یک امر و هستی سیاسی تأکید می‌شود. در این جا «منظور اصلی از گفتمان، به شیوه‌ای از متن و گفتار باز می‌گردد که از زاویه دیدی خاص به وقایع و تجربیات ما معنا می‌دهد» (همان: ۱۱).

گفتمان در حلاء تولید نمی‌گردد، بلکه در فضایی از باورها و معانی نظام‌مند و در بستر و درون یک جامعه به وجود می‌آید. دو فضای اساسی و متفاوت که گفتمان درون آنها رشد می‌یابد، یکی فرهنگ و دیگری ایدئولوژی است (همان: ۱۲).

مفهوم گفتمان یکی از مباحث مورد توجه در فهم مفهوم قدرت است. تشخیص این که [رهبر] می‌تواند بدون کاربرد تهدیدات یا مشوق‌ها قدرت را از طریق اولویت دادن به ارجحیت‌ها و ترجیحات عمومی در قالب گفتمان اعمال کند، برای اولین بار در آراء «میشل فوکو»<sup>۱</sup> قابل رؤیت است. (Bially Mattern, 2007:101)

به گونه‌ای که «استیون لوکس»<sup>۲</sup> معتقد است که نیازی نیست که قدرت الزاماً عریان یا رفتاری باشد، بلکه می‌تواند از طرُقی اعمال گردد که به صورت ناخودآگاه بر شکل‌گیری ترجیحات اثر

<sup>۱</sup>Michel Foucault

<sup>۲</sup>Steven Lukes



می‌گذارد که از آن در ادبیات فوکو به قدرت گفتمانی تعبیر شده است (آر کلگ، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۵).

## ۵. ایجاد گفتمان فرهنگی دینی مبنای رهبری در حکومت اسلامی

در اسلام، دین از طریق برقراری تعاملات سه گانه به سه صورت «عبادی»، «اخلاقی» و «قانونی» - که موجد برقراری رابطه خدا با انسان و بالعکس و انسان با انسان می‌باشد - به تبلور مکتب فکری اسلام و تبدیل احکام عبادی - اخلاقی و قانونی به فرهنگ و گفتمان عمومی مسلمانان در تعاملات بین خودشان و حکومت، جامعه عمل می‌پوشاند. در این میان نیز حکومت اسلامی و دولت - به مثابه نهادی بشری که برای سامان‌دهی به حیات سیاسی اجتماعی به کار می‌آید - مستند به حکم و خواست الهی از طریق ولی فقیه به عنوان امام امت و تشکیل ساختارهای حاکمیتی متناسب با احکام الهی، ضمن اداره کشور و حل مشکلات و بحران‌های پیش آمده به وسیله جلب مشارکت مردم، زمینه همیاری بین دولت و مردم مسلمان را از طریق ایجاد و عمل بر مبنای گفتمان فرهنگی اسلام، جامعه را مدیریت نموده و از تعارض و تضاد بین دولت و مردم - به دلیل امکان وجود منافع متعارض متصور در حوزه عمومی و حکومتی در زمینه‌های مختلف - جلوگیری می‌نماید (الوندی، ۱۳۹۰: ۹۶). به نحوی که مردم و حکومت با به کارگیری قواعد اخلاقی متناسب با آموزه‌های اسلام در تعامل با یکدیگر، گفتمان سیاسی و فرهنگی خاصی را در اراده اجتماع و حکومت تولید می‌کنند که زمینه تعامل حکومت و اجتماع بر اساس دین و گفتمان منبعث از آن را فراهم می‌نماید.

ثمره چنین بحثی قرار گرفتن گفتمان اسلام به عنوان مبنای مشترک عمل دولت و مردم می‌باشد، چرا که «اسلام با وضع اصول و مبانی کلانی که التزام عملی به آنها هم برای دولت و مردم هر دو ضرورت دارد، عملاً نوعی «وحدت رویه» را بنیان نهاده که از بروز تعارض بین دولت و ملت جلوگیری می‌نماید» (السمیر عالی، ۱۹۸۸: ۵۵) و به عنوان «قدرت انضباطی»<sup>۱</sup> روابط دولت و ملت و ساختارهای موجود در جامعه را متناسب با آن تنظیم می‌نماید.

لذا در این بستر، ملت «همیار» با دولت ارزیابی می‌گردد. بنابراین می‌توان گفت، ایمان

۱- بحث قدرت انضباطی متأثر از گفتمان را اولین بار میشل فوکو مطرح نموده است (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: آر. کلگ، ۱۳۷۹: ۲۴۰-۲۶۶).

اعتقادی مردم و کارگزاران به اسلام و مبنا قرار دادن اصول، احکام و قوانین اسلامی، گفتمانی را فراهم می‌آورد که به عنوان قدرت انضباطی بالقوه و چارچوب فراسوی دولت و ملت، زمینه مشترکی را بین مردم و دولت پدید می‌آورد که بر شکاف دولت و ملت فائق آمده و موجبات وفاق ملی را در زمینه‌های مختلف فراهم می‌آورد (الوندی، ۹۱: ۱۳۹۰).

## ۶. گفتمان فرهنگی شباهت محور، مبنای رهبری امام خمینی در دفاع مقدس

منظور از گفتمان شباهت محور این است که ما در ایجاد عناصر گفتمان فرهنگی خود، به دنبال برقراری یک شباهت و هم ذات‌پنداری بین هویت «خود» با «هویت دیگری» باشیم. آنچه که این «گفتمان شباهت» را به وجود آورد، همان «متن شباهت نما» است. «متن شباهت نما، متنی است که در اولین گام تمام شباهت‌های بین هویت «ما» و «هویت دیگر» را برجسته می‌کند. در گام دوم به دنبال شباهت‌هایی می‌گردد که پنهان هستند و سعی در پیدا کردن این شباهت‌ها و آشکار کردن آنها دارد. در گام سوم، دست به شباهت‌سازی می‌زند و شباهت‌های جدید و تازه‌ای به وجود می‌آورد. همچنین تفاوت‌های این دو را در حاشیه نگه می‌دارد» (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۵). هدف این شکل و محتوا از متن گفتمانی، همگون‌سازی شاخصه‌های هویتی خود با هویت دیگری است. در تحلیل اولیه از گفتمان نو پدید امام باید گفت که گفتمان امام یک گفتمان شباهت محور است. امام در صدد است تا با ایجاد هم ذات‌پنداری و شباهت‌نمایی بین هویت ایرانی با هویت اسلامی و الگوهای صدر اسلام، خویش‌شن ایرانی را با هویت اسلامی اصیل صدر اسلام همگون نموده و زوایای پنهان هویت ایرانی را بر اساس الگوهای صدر اسلام پیدا و آشکار نماید؛ تا بدین ترتیب ضمن ایجاد وفاق بین دولت و ملت در رویارویی با نظام کفر، دفاع مقدس را نیز با موفقیت رهبری نماید. از این طریق جذابیت لازم را جهت مشارکت داوطلبانه رزمندگان اسلام برای حضور در صحنه نبرد فراهم نموده و چالش نبود و کمبود امکانات قدرت سخت (نظامی و اقتصادی) و به کارگیری زور، جهت اعزاز نیروها به جبهه‌های نبرد را مرتفع نماید. امام خمینی (ره) با ایجاد گفتمانی شباهت محور به الگوهای صدر اسلام در سخنرانی‌های خود و استفاده از متن شباهت نما در دهه اول انقلاب اسلامی توانست به عنوان راهگشای فکری جامعه و ایدئولوگک مورد پذیرش همگان قرار گیرد که این امر نشانه «مقبولیت نظرات، اصالت

پیام و حقیقت اندیشه او و توانمندی ایشان در تبدیل مکتب فکری خود به گفتمان حاکم بر جامعه است» (محمدی، ۱۳۸۱: ۴۸). به نحوی که نظام معنایی موجود در مکتب اسلام در عرصه گفتمان فرهنگی حاکم بر ایران مبتنی بر شهابت نمایی به الگوهای صدر اسلام عینیت یافته و در آن متبلور شود. امام خمینی (ره) به عنوان رهبر ایدئولوگ انقلاب اسلامی، اصول و زمینه‌های عقیدتی انقلاب را که ریشه در مکتب فکری اسلام دارد با ارائه الگوها و اسطوره‌های عینی در قالب شهابت جویی به آموزه‌های صدر اسلام، تبدیل به گفتمان حاکم در جامعه کرد و با توجه به زمینه اسلامی جامعه مسلمان ایران و اصالت و حقیقت پیامی که از رفتار اهل بیت (ع) به عنوان عینیت تبلور یافته حقیقت اسلام در قالب الگوها، اسطوره‌ها و آموزه‌های اسلامی دریافت می‌شد، این گفتمان را حاکم بر هستی سیاسی ایرانیان و مورد پذیرش و قبول همگان قرار داد. مرحله نخست ایجاد گفتمان شهابت محور، ایجاد هویتی جدید بر پایه شهابت نمایی هویت ایرانی با هویت اسلامی می‌باشد که ما را در تحلیل عوامل پیشبرد جنگ و یافتن شاخصه‌های موفقیت رهبری در هدایت دفاع مقدس یاری می‌نماید.

## ۷. شهابت نمایی هویت ایرانی با هویت اسلامی برخاسته از گفتمان شهابت محور

امام از طریق تعریف «هویت ایرانی» براساس «هویت اسلامی» به دو گانگی رویارویی در عرصه نبرد با «هویت بیگانه» و «دشمن» معنا می‌دهد. این تمایز که در جنگ تحمیلی از تأثیر گفتمان نوپدید امام خمینی (ره) در اندیشه ژئوپلیتیک سرچشمه می‌گیرد، باعث معنادگی به هویت فردی، جمعی، سیاسی و اجتماعی «ما» براساس هویت اسلام شد. این هویت در برابر هویتی که از دیدگاه حاکم بر ژئوپلیتیک به معنای غربی آن با مرزهای «وستفالیایی» و مرزهای ملی معنا می‌یابد قرار گرفت، که در آن هر آنچه که در خارج از مرزهای ملی قرار دارد «بیگانه» و «دشمن» و آنچه که در درون مرزها قرار گرفته است را «هویت ما» محسوب می‌کند. در گفتمان نوپدید امام، ایشان با تحت الشعاع قرار دادن آموزه‌های سرزمینی و جغرافیایی در عرصه ژئوپلیتیک براساس اسلام؛ به عنوان فضای معرف هویت مشترک جمعی، هویت مردم ایران را براساس اسلام که دارای ماهیت غیر سرزمینی است تعریف نمود و موفق شد با ایجاد گفتمانی که منکر مرزهای

سرزمینی [ناسیونالیسم] است، هویت سیاسی - اجتماعی جدیدی را در عرصه سیاسی بنیان نماید که «هویت ما» و «هویت بیگانه» را در جنگ، در قالبی مذهبی قرار می‌داد. ایشان بر همین اساس معتقد بودند که:

«جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۸۷) و بر همین اساس جغرافیای مبارزه و گستره آن را جهانی می‌دیدند و معتقد بودند که «جنگ ما، جنگ با عراق و عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ اسلام است علیه تمام نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیسم...» «جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ با برهنگی علیه خوش گذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد؛ این جنگ محصور در مرز و بوم نیست؛ این جنگ خانه و کاشانه و شکست و تلخی، کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوش گذرانی است، جنگ ما جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست» (همان: ۶۹). و با تغییر فضای موجود و متصور در جنگ‌های موجود که براساس دستیابی به منافع بیشتر تعریف شده و صورت می‌پذیرفت به تعریفی براساس گفتمان حاکم اسلامی در ایران دست زد. امام (ره) جنگ دشمن را نه جنگ بر سر افزایش قلمرو خویش، بلکه جنگ علیه اسلام می‌دانست «دشمن اصلی [نزد مستکبران] اسلام است، نه ارتش است، نه روحانیت است و نه جمهوری اسلامی و نه حکومت اسلامی و نه آنهایی که در راه اسلام دارند فداکاری می‌کنند...» (همان، ج ۱۳: ۱۶۸)

و مهمترین تکلیفی را که بر این اساس در جنگ ترسیم نمودند، دفاع از اسلام بود: «شما برای حفظ اسلام دارید جنگ می‌کنید و او (صدام) برای نابودی اسلام. الآن اسلام به تمامی در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری و دفاع کنید» (همان: ۲۵۶)

بنابراین امام (ره) بر مبنای گستره و جغرافیای مبارزه به ترسیم اهداف در راهبرد دفاعی خود می‌پردازد که پرداختن به آن از موضوع مقاله خارج است.

این تحقیق بر آن است که برای بررسی رهبری امام خمینی (ره) در جنگ به سراغ «جهان

نمادین» گفتمان نوپدید امام (ره) رفته و به وسیله تحلیل بینامتنی<sup>۱</sup> ادبیاتی که امام به آنها تمسک جسته، مؤلفه‌های پیروزی مردم ایران را در دفاع مقدس بیان نماید.

## ۸. راهبردهای امام (ره) مبتنی بر عناصر شهابت‌نما به فرهنگ اسلام و صدر اسلام در رهبری جنگ

سه عنصر مفهومی بسیار مهمی که نقش کلیدی در طراحی گفتمان کلان جنگ داشت و از طریق متن شهابت‌نما توسط امام ترویج شده و موجب ایجاد یک گفتمان فرهنگی شهابت‌محور در حوزه جهاد و دفاع شد، عبارتند از:

### ۱. تعریف گستره و ابزار مبارزه بر اساس

**الف. عمل به تکلیف:** حضرت امام (ره) با به‌کارگیری عنصر شهابت‌جویی به اهل بیت (ع) در ابزار و گستره مبارزه، بر اساس عمل به تکلیف، راهبرد دفاعی ایران را شکست‌ناپذیر کرده بودند؛ چرا که مبتنی بر رفتار اهل بیت در جنگ‌هایشان، قائل بودند که:

«ما چرا بترسیم، ما شکست نداریم. شکست برای ما نیست. اولیای خدا هم مثل امیرالمؤمنین و امام حسین (ع) شکست خوردند و اما به حسب واقع پیروز شدند. اگر ما هم که برای خدا می‌خواهیم کار بکنیم شکست بخوریم، تکلیفمان را عمل کردیم و به حسب واقع پیروزی با ما خواهد شد» (امام خمینی، ج ۹: ۴۱۰)

«و من امیدوار هستم که خداوند تأیید کند ما را در این مقصدی که داریم، لکن مهم این است که ما تکلیفی ادا می‌کنیم؛ تکلیف ما این است که در مقابل ظلم‌ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم‌ها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم. این‌طور نیست که ما خوف این را

۱- منظور از تحلیل بینامتنی این است که تحلیلگر کاربردهای معنایی-دلالتی و نمادین مشترک و رایج در متن‌ها و نظم گفتمانی یک دوره تاریخی-زمانی خاص از یک جامعه را مبنا قرار می‌دهد و به تحلیل نظام معنایی-دلالتی و نمادین در دالهای مشترک در این متن‌ها و نظم گفتمانی می‌پردازد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمی‌خوریم؛ خدا با ماست و ثانیاً بر فرض این که شکست صوری بخوریم، شکست معنوی نمی‌خوریم، و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین است، با ماست. (امام خمینی، ج ۱۲: ۳۰۶)

**ب. نفی ظلم و ظلم پذیری:** امام خمینی (ره) با شباهت‌جویی به آموزه‌های اصیل اسلامی و آیه «لا تظلمون و لا تُظلمون» گستره مبارزه را بر اساس هرگونه ظلم کردن و ظلم‌پذیری استوار کرده بودند و بر این اساس هدف از مبارزه را در جبهه نبرد ترسیم نمودند:

«ما کراً گفته‌ایم که ما به حسب دستور اسلام، نه ظالم هستیم و نه مظلوم. نه می‌توانیم زیر بار ظلم برویم و نه خود ظلم می‌کنیم. نه یک و جب از خاک دیگران را طمع به آن داریم، اگر قدرت هم داشته باشیم، اگر قدرت گرفتن همه دنیا هم داشته باشیم، بنا بر این نیست. دستور این نیست و برنامه اسلام این نیست که تجاوز کنیم. لکن یک و جب از مملکت خودمان هم به دیگران نخواهیم داد. صدام را به جای خود نشانیدیم، و بعد هم بیشتر می‌نشانیم...» (همان، ج ۱۴: ۸۵).

«و هیچ هم بنا نداریم به این که پیروز بشویم. ما بنا داریم به تکلیف عمل کنیم. ما مکلفیم که با ظلم مقابله کنیم... ما مکلفیم از طرف خدای تبارک و تعالی که با ظلم مقابله کنیم؛ با این آدم‌خوارها و با این خونخوارها مقابله کنیم. ما به آن اندازه‌ای که قدرت داریم مقابله می‌کنیم؛ اگر پیروز شدیم که خوب، الحمدلله، و اگر پیروز هم نشدیم، الحمدلله که به تکلیف عمل کردیم. مسلمین باید خودشان را مکلف بدانند؛ گمان نکنند که اگر پیروز نشدند، پیروز نیستید. اگر معنویات ما محفوظ بشود، گرایشمان به قرآن محفوظ باشد، چه شهادت برای ما حاصل بشود، که نیل بزرگی است؛ و چه پیروز بشویم. ما الحمدلله در همه جاها پیروز هستیم و احدی الحُسَینَ برای ماست، ان شاء الله...» (همان، ج ۱۲: ۳۲۲).

**۲. تقبیح سازش در برابر دشمن:** که محور اصلی شعارهای آن، با شباهت‌جویی به

فرهنگ عاشورا، شعار «یهات من الذله» بود. این شعار در جای جای شهرها و روستاها و نیز محورهای عملیاتی دیده می‌شد؛ امام (ره) با شباهت‌جویی به الگوی ائمه اطهار (ع) در طرح ریزی گفت‌وگو با دشمن، جامعه را برای تقرب به آن گفت‌وگو آماده می‌کرد و می‌فرمود:

«همان طوری که اولیای ما علیهم السلام نشان دادند که در مقابل مستکبران گاهی با تبلیغ و

گاهی با اسلحه باید ایستاد و مستکبران را باید جای خودشان نشاناد، ما هم الگوی آنها را و تبعیت از آنها را می‌پذیریم» و نیز می‌فرمودند: «ما که ادعا داریم پیرو [ائمه (ع)] هستیم؛ ما که اعتقاد داریم که دنباله‌رو اولیا هستیم، ما هم باید این طور باشیم، با لفظ که نمی‌شود، باید با قدرت پیش برویم و با قوت با دشمن مقابله کنیم» (امام خمینی، ج ۱۵: ۹) و مبتنی بر قرآن می‌فرمودند که: «مصلحه با جنایتکار و سازش با جنایتکاران، این یک جنایتی است بر مردم متعهد و یک جنایتی است بر اسلام. ما حرفمان از روز اول تا حالا و بعدها معلوم است... مسلمان‌ها هم موظفند به حسب شرع مطهر به این که بیایند و اینها را بیرون کنند. شارع مطهر فرموده‌اند در قرآن کریم که «اگر یک طایفه‌ای بر طایفه دیگر از مسلمین بخواهند طغیان کنند و تجاوز، بر همه مسلمین واجب است که این جنایتکار و طاغی و یاغی را با او جنگ بکنند و اگر برگشت به اطاعت خدا، آن وقت بنشینند با او صحبت بکنند» (همان، ج ۱۶: ۸۸).

و برگرفته از شباهت جویی به کربلا و صدر اسلام می‌فرمود: «شما ای ملت اسلامی ایران! بر سر دو راهی می‌باشید، راه سعادت و افتخار ابدی در سایه پر افتخار جهاد برای خدا و دفاع از کشور و راه ذلت و ننگ ابدی... من امید واثق دارم که ملت ما تن به ننگ نداده و نخواهد داد» (همان، ج ۱۳: ۲۷۱). این متن شباهت نما که شباهت خود را با متن فرمایش سید الشهداء (ع) در کربلا نشان می‌دهد، عمق تأثیرگذاری و تأثیرپذیری گفتمان امام را منبعث از فرهنگ عاشورا نشان می‌دهد: «الا و ان الدعی بن الدعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات من الذله؛ آگاه باشید که این مرد زنا زاده و پسر زنا زاده (ابن زیاد) مرا بین دو امر مختار کرده است، یا با شمشیر جنگیدن و شربت شهادت نوشیدن و یا تن به ذلت و خواری دادن و چقدر ذلت از ما دور است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۹).

مفهوم دیگری که در جبهه‌های نبرد به آن شباهت جسته می‌شد، مفهوم و شعار «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند» بود که به صورت «ما اهل کوفه نیستیم، امام تنها بماند» بروز یافته بود. (شیرازی و سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۱۸).

**۳. تبیین وجوب ادامه دفاع تا رفع فتنه و عامل تجاوز: آیه «و قاتلوهم حتی لا تکنون فتنه» (قرآن، بقره: ۱۹۳) که به عنوان شعار اصلی مبلغان با عنوان «جنگ جنگ تا رفع فتنه»**

بازتولید می‌شد. توسط سخنرانی و بیانیه‌های امام به عنوان خواست عمومی و گفت‌وگوهای مردمی و با شباهت‌جویی به آموزه‌های اصیل اسلام بیان می‌شد. حضرت امام (ره) مبتنی بر این اصل در جنگ‌های اسلامی، جنگ را یک دفاع سازش‌ناپذیر به شرط برجسته شدن بساط حزب بعث، به عنوان عامل فتنه در منطقه می‌داند و با نماد قرار دادن ایران به عنوان نماد اسلام و عراق (حزب بعث) به عنوان نماد کفر، هرگونه سازش با آنها را منتفی می‌داند: «الآن اسلام به تمامی در مقابل کفر واقع شده است و شما باید از اسلام پایداری کنید و حمایت کنید و دفاع کنید...» «بله اگر اینها از همه جا کنار بروند و بیرون بروند و تسلیم بشوند، ما آن وقت ممکن است به واسطه این که بین مسلمین خیلی چیز نشود ما هم یک سکوتی بکنیم والا مادامی که اینها دستشان اسلحه است ما هم اسلحه‌مان ایمان است، سلاحمان اسلام است» (امام خمینی، ج ۱۳، ۲۵۱-۲۵۲).

## ۹. ایجاد ظرفیت‌های مردمی دفاع بر اساس گفت‌وگوهای شباهت محور

یکی از بسترهای مهم و مورد نیاز جهت طراحی راهبردهای دفاعی فراهم آوردن ظرفیت‌ها و بسترهای روانی جامعه است به نحوی که تضادی بین ساختارهای اجتماعی با موضوع دفاع پیش نیاید که امام (ره) با تمسک به شباهت‌جویی به الگوهای صدر اسلام موفق شد که بسترهای مورد نیاز دفاع مردمی را فراهم آورد. امام (ره) برای کم رنگ نمودن پیامدهای سیاسی و اقتصادی و روانی جنگ بر کشور و ملت ایران با شباهت‌جویی به رفتار اهل بیت در سختی‌ها و مشقات، می‌فرمود:

«این مسائل که برای اسلام و مسلمین پیش می‌آید و می‌آمده است، اینها سابقه‌دار است. این طور نیست که حالا برای ما پیش آمده باشد. شما می‌دانید که تاریخ اسلام مشحون بوده است از این مجاهدات، از این شهادت‌ها، از این خون‌دادن‌ها و از این خرابکاری‌ها به دست فُجَّار. ائمه ما - علیهم السلام - مبتلا بودند به همین امور لکن بر همه بوده است و بر ما هم هست استقامت و خودداری و خدا با صابران است» (همان، ج ۱۳: ۲۶۵) و بر همین اساس، استقامت را شرط رسیدن به اهداف بلند انقلاب اسلامی می‌دانستند و می‌فرمودند: «ملتی که بخواهد شرافت خودش را حفظ کند، اسلام را که مبدأ همه شرافت‌هاست بخواهد حفظ کند، این ملت باید علاوه بر جهاد، استقامت در جهاد داشته باشد» (امام



خمینی، ج ۱۳: ۴۶۳) «مأموریم که در این امری که کردیم، در این پیروزی که به دست آوردیم ما استقامت داشته باشیم، پایداری داشته باشیم. جنگ‌ها کمبودی دارد، جنگ‌ها شهادت دارد، جنگ‌ها خوف دارد برای بسیاری، جنگ‌ها گرسنگی دارد، جنگ‌ها گرانی دارد، جنگ‌ها خرابی دارد و همه چیزهایی که لوازم جنگ است» (همان، ج ۱۳: ۴۶۴). برای کاهش بار روانی جنگ بر مردم ایران، با شباهت جویی به تاریخ صدر اسلام و جنگ‌های پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) ملت ایران را به الگوبرداری از آنان در مسیر جنگ رهنمون می‌کرد: «ما نباید از جنگ بترسیم، پیغمبر اکرم جنگ کرده است برای اسلام، حضرت امیر جنگ کرده است برای اسلام، صدر اسلام در یک یا چند سال چندین جنگ، هشتاد تا، چقدر جنگ واقع شد؛ ما باید مهیا بشویم برای جنگ‌ها و ما قدرت داریم» (همان، ج ۱۳: ۱۴۴-۱۴۵).

## ۱۰. رهبری عرصه نبرد با تکیه بر گفتمان شباهت محور

از سوی دیگر امام (ره) علاوه بر طراحی راهبرد کلان جنگ براساس شباهت جویی به رفتار اهل بیت (ع)، عرصه نبرد را نیز بر همین اساس رهبری نمودند.

### الف. باز نمایی عامل موفقیت و جذب نیرو از طریق

۱. توجه دادن به توحید به عنوان بالاترین هدف: «ای عزیزان اسلام و سرمایه‌های ملت، مجاهده کنید که خودیت را از سر قلب خود بزدايید و باید بدانید و بدانیم که هر چه هست اوست و جلوه جمال او. جسم و جان و روح و روان همه از اوست. بکوشید تا حجاب خودیت را بردارید، و جمال جمیل او جل و علا را ببینید. آنگاه است که هر مشکلی آسان و هر رنج و زحمتی گوارا؛ و فدا شدن در راه او احلی از غسل، بلکه بالاتر از هر چیز، به گمان آید» (همان، ج ۱۸: ۳۳۴).

۲. شباهت جویی به یاران اهل بیت: امام با ارتباط برقرار کردن و ایجاد هم ذات پنداری بین رزمندگان اسلام و یاوران اهل بیت (ع)، انگیزش لازم را جهت حضور رزمندگان در جبهه‌ها فراهم می‌نمودند، به طوری که هنگام اعزام کاروان‌های «راهیان کربلا» و «سپاه حضرت مهدی (عج)» برای حضور در عرصه جهاد، وقتی امام می‌فرمود: «از همه جوانان غیور و اقشار برومند کشور اسلامی (می‌خواهم) که مثل همیشه به جبهه‌ها هجوم آورند و به سپاهیان حضرت

مهدی عجل الله بپیوندند... که دست نصرت حق با شماست... و شما را تنها نخواهد گذاشت» (امام خمینی، ج ۲۰: ۲۰۰). صحنه نبرد را مملو از رزمندگان جان برکف می نمود. امام با استفاده از گفتمان شباهت جویی به کربلا برای تشویق حضور در جبهه ها و تحکیم اراده رزمندگان برای حضور هر چه قوی تر در جهاد و دفاع در برابر دشمن می فرمود: «ملت شهید پرور ایران بدانند که این روزها، روز امتحان الهی است، روز پرخاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند، روز انتقام از کفر و نفاق است؛ روز فداکاری است؛ امروز روز عاشورای حسینی است؛ امروز، ایران کربلاست. حسینیان آماده باشید؛ جهز انفسکم بالصلاح و السلاح؛ نهراسید که نمی هراسید؛ کمر بندهایتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار به پا خیزید... امروز، روز مقاومت است؛ چنان بر صدام و آمریکا و استکبار غرب سیلی بزنید که برق آن چشمان استکبار شوق را کور کند» (همان، ج ۲۱: ۱۱) و در ادامه شباهت جویی و ایجاد انگیزش به منظور دنبال روی رزمندگان از اهل بیت (ع) فرمودند: «امروز [شما] لشکر اسلام هستید، ارتش اسلام هستید، برای اینکه شما دنبال اسلام هستید و دنبال امام مسلمین علی بن ابی طالب سلام الله علیه» (همان، ج ۱۴: ۳۵۲).

۳. تاکید بر احدی الحسینین و عامل محوری جهاد و شهادت: امام (ره) با استفاده از آموزه های اصیل اسلامی به ویژه جهاد و شهادت و پرهیز از اسارت که به عنوان مفاهیم کلیدی در گفتمان فرهنگی اسلام جهت انگیزش رزمندگان به شمار می آید فرمودند:

«اگر شهید شوید موفقید و اگر هم بر دشمن پیروز شوید موفقید. این سر پیروزی صدر اسلام است؛ دشمنان نمی توانند این چنین فکر کنند» (همان، ج ۱۲: ۳۰۴) و «شما برای شهادت و برای رسیدن به لقاء الله وارد می شوید و شما پیروزید؛ چه شهید بشوید و چه ان شالله پیروزی ظاهری هم حاصل بشود» (همان، ج ۱۶: ۹۰). «ملت و ارتش و پاسداران و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردم ایران، با احدی الحسینین: پیروزی یا شهادت و وصول به لقاء الله، قله سعادت را می پیمایند. چه غم امتی را که یا به سوی خداوند تعالی می رود و یا به سوی تحقق اهداف اسلامی و انعکاس آن در جهان» (امام خمینی، ج ۱۵: ۲۳۹). «شما ای ملت مجاهد، در زیر پرچمی می روید که در سراسر جهان مادی و معنوی در اهتزاز است، بیاید آن را یا نیاید، شما راهی را می روید که تنها راه تمام انبیا- علیهم سلام الله- و یکتا راه سعادت مطلق است. در این انگیزه است که همه اولیا

شهادت را در راه آن به آغوش می کشند و مرگ سرخ را «احلی من العسل» می دانند؛ و جوانان شما در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند و در مادران و خواهران و پدران و برادران آنان جلوه نموده» (همان، ج ۲۱: ۴۴۹) ... «امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است؛ روز نشاط عاشقان خداست؛ روز جشن و سرور عارفان الهی است؛ امروز روز نغمه سربازی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست. درنگ امروز فردای اسارت باری را به دنبال دارد» (همان، ج ۲۱: ۱۲).

### ب. بازتعریف عرصه و مؤلفه‌های نبرد بر اساس مبارزه حق و باطل و اسلام و کفر

از سوی دیگر امام (ره) از طریق بازتعریف عرصه نبرد بر اساس نبرد حق و باطل و اسلام و کفر که برخلاف آموزه‌های جنگ‌های امروزی است (که در آن عنصر حذف تهدید و دشمن و گسترش قلمرو سرزمینی، ماهیت جنگ را تعریف می کند) زمینه را برای رشد و تعالی و سیر الی الله رزمندگان فراهم می نمود. در همین زمینه ایشان می فرمودند:

«جنگ ما جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی شناسد» (همان، ج ۲۱: ۸۷). «جنگ ما جنگ حق و باطل بود و تمام شدنی نیست، جنگ ما جنگ فقر و غنا بود، جنگ ما جنگ ایمان و عزت بود و این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد» (همان، ج ۲۱: ۲۸۴). «امروز جنگ حق و باطل، جنگ فقر و غنا، جنگ استضعاف و استکبار، و جنگ پابرنه‌ها و مرفهین بی درد شروع شده است و من دست و بازوی همه عزیزانی که در سراسر جهان کوله بار مبارزه را بر دوش گرفته‌اند و عزم جهاد در راه خدا و اعتلای عزت مسلمین را نموده‌اند می بوسم و سلام و دروهای خالصانه خود را به همه غنچه‌های آزادی و کمال نثار می کنم» (همان، ج ۲۱: ۸۵).

و در آستانه سالگرد جنگ فرمودند که: «یک سال از جنگ صدام تکریتی آمریکایی با اسلام عزیز می گذرد. یک سال از هجوم بعث کافر عراق به سرزمین اسلام و جمهوری اسلامی ایران گذشت. اکنون در آستانه «هفته جنگ» و بررسی ابعاد مختلف آن، از انگیزه‌ها و پیامدها و دست‌های جنایتکاری که از آستین حزب بعث کافر عراق و صدام عقلی پیداست، تا ثمرات تلخ و شیرینی که در مقابله حق و باطل و اسلام و کفر به بار آورده است، سخن می‌باشد و در این هفته نویسندگان و گویندگان و رزمندگان و

افشاگران و هنرمندان به بررسی کامل جنگ می‌پردازند و ابعاد این واقعه تاریخی را روشن می‌نمایند» (امام خمینی، ج ۱۵: ۲۳۸).

### ج. توجه به معنویات و امدادهای غیبی و پرهیز از غرور به عنوان عامل اصلی رسیدن به هدف

امام (ره) با تفکیک و فرق قایل شدن بین دو جبهه نبرد بر اساس ویژگی‌های متفاوت آنها، بر اساس توجه یا عدم توجه به معنویات می‌فرمودند: «فرق است ما بین یک جمعیتی که در شبی که فردا برای او خطر است و می‌خواهد به لشکر کفر هجوم ببرد به مناجات خدا می‌ایستد، با آن کسانی که وقتی که می‌خواهند به جنگ بیایند اول با فشار است و بعد هم که محال آنها را می‌بینند، آلات لهو و لعب در آنجا هست. فرق است ما بین آنهایی که برای خدا قیام کرده‌اند و آنهایی که برای طاغوت. شما در راه خدا دارید جنگ می‌کنید؛ این علامت ایمان شماست و آنها در راه طاغوت دارند جنگ می‌کنند و این علامت کفر آنهاست» (همان، ج ۱۵: ۴۰۳).

امام (ره) ضمن ترسیم هدف و جغرافیای عرصه نبرد بر مبنای اسلام: «و مقصد همه، دفاع از اسلام و میهن اسلامی باشد؛ تا پیروزی هر قشر، پیروزی قشرهای دیگر باشد و هدف مطرح باشد نه سپاه و ارتش و سایر سلحشوران...» (همان، ج ۱۸: ۳۳۴). هر گونه تلاش و اقدام سیاسی، فرهنگی و نظامی و جهاد با دشمنان را بدون در نظر گرفتن بعد الهی و معنوی آن فاقد هر گونه ارزش اسلامی می‌دانستند و می‌فرمودند که: «زدن و پیروز شدن و فتح کردن و همه اینها اگر آن بعد معنوی‌اش نباشد، همه‌اش شکست است» (صحیفه امام (ره)، ج ۱۹: ۲۰۱).

امام (ره)، راه رسیدن به این هدف را مستمسک قرار دادن آموزه‌های اصیل اسلام می‌دانند که جز از طریق مسلح شدن به سلاح دعا و نماز و تهجد فراهم نمی‌شود. لذا رزمندگان را به قدرت ایمان و توان بالای آن در کسب پیروزی‌های مادی و معنوی توجه می‌دادند: «افراد کم با بازوان قوی و قلب مطمئن و قلب متوجه به خدای تبارک و تعالی و عشق به شهادت و عشق به لقاء الله اینهاست که پیروزی می‌آورد؛ پیروزی را شمشیر نمی‌آورد» (همان، ج ۱۷: ۵۸). ایشان با تاکید بر ذکر و یاد خدا، تهجد را عامل اصلی پیروزی می‌دانستند و می‌فرمودند: «اینهایی که شب‌ها به دعا برمی‌خیزند و به مناجات برمی‌خیزند، البته در جنگ‌ها پیروز خواهند شد» (همان، ج ۱۶: ۲۵۴).

ایشان رزمندگان را به اعتماد و تکیه بر امدادهای غیبی فرا می‌خواندند و از این طریق به

رهبری معنوی رزمندگان می‌پردازند: «آن چیزی که مطرح است در جنگ، عدد نیست. آن چیزی که مطرح هست آن قدرت فکری انسان هست. همان قدرتی که با تکامل به خدا در صدر اسلام، یک عده کمیشان لشکرهای زیاد را به هم می‌زد... پس آن که مطرح هست، آن قدرتی است که برای اشخاص از غیب پیدا می‌شود» (همان، ج ۱۳: ۲۳۴).

و بسیاری از فتوحات را به مانند فتح خرمشهر، مشمول امدادهای غیبی می‌دانستند: «فتح خرمشهر یک مسأله عادی نبود... بلکه مافوق طبیعت است» (همان، ج ۱۶: ۲۷۰).  
و رزمندگان را به پرهیز از غرور بر اثر فتوحات فرا می‌خواندند و خطاب به فرماندهان می‌فرمودند: «هشیار باشید که پیروزی‌ها هر چند عظیم و حیرت‌انگیز است، شما را از یاد خدا که نصر و فتح در دست اوست، غافل نکند و غرور و فتح شما را به خود جلب نکند» (همان، ج ۱۶: ۲۵۸).

امام ضمن بیان این که غرور حاصل از پیروزی، یاد خدا را از دل‌ها می‌برد و از امدادهای غیبی بی‌بهره می‌سازد می‌فرمودند: «برادران محترم و نورچشمان عزیز! مبدا آفت‌های پیروزی که در رأس آنها غرور است، خدای ناخواسته شما را به دام کشد و از صاحب اصلی «نصر» که خداوند قادر است اغفالتان نماید، که این حيله‌ای است شیطانی که دنبال آن علاوه بر از دست رفتن معنویت که اساس پیروزی شما عزیزان است، موجب غفلت از حيله‌های دشمنان نیز می‌باشد که شکست را همراه دارد. باید شما قوای نیرومند مسلح و ملت عظیم الشان پشتیبان شما از تبلور جلوه قدرت الله در خود هیچ‌گاه غافل نشوید وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ وَ أَنَا فَتَحْنَا لَكُمْ فَتْحًا مُبِينًا شاهد آن است...» (همان، ج ۱۶: ۲۶۷).

#### د. شباهت‌نمایی سایر ابعاد جبهه به آموزه‌ها و عناصر اصیل اسلامی

امام (ره) با شباهت‌نمایی سنگر با کعبه «امروز شما در عبادت هستید، مراکز شما مراکز عبادت است و همان‌طور که اشخاص حول کعبه می‌گردند و عبادت می‌کنند، شما هم در سنگرهایتان عبادت می‌کنید» (همان، ج ۱۹: ۱۷۳). شباهت دادن عمل و اجر رزمندگان در دفاع مقدس به مجاهدان صدر اسلام «شما هم همان اجر را دارید که لشکرهای صدر اسلام در احد و خندق و سایر جبهه‌ها داشتند» (همان، ج ۱۴: ۵۰۱). همچنین تلقی فعل رزمندگان اسلام به عنوان

فعل الهی «این خدای تبارک و تعالی است که شما را همت داده است و هر تیری که رها می کنید، با دست شما خدای تبارک و تعالی کار را انجام می دهد» (امام خمینی، ج ۲۰: ۳۱۰). شباهت دادن مردم مسلمان ایران به مسلمانان صدر اسلام «یک ملتی که آن طور متحول شده است که در راه خدا همه چیز خودش را نثار می کند و با آغوش باز دنبال مرگ می رود، این در طول تاریخ اگر نمونه ای داشته باشد، در صدر اسلام است، بعد از آن نمونه ای ندارد. مثل شما جوانان نمونه ای نیست» (همان، ج ۱۳: ۴۴۰).

ایشان توانستند نیروی مورد نیاز جنگ را بدون به کارگیری زور و اجبار و با استفاده از زمینه اسلامی مردم ایران با شباهت دادن جنگ عراق علیه ایران به جنگ اسلام و کفر و جنگ حق و باطل و شباهت دادن رزمندگان اسلام به یاوران اهل بیت (ع) و... جذب نمایند و بدین وسیله توانستند ضمن انجام رسالت رهبری خود؛ که همان هدایت و رشد مردم مسلمان ایران بر اساس مکتب اسلام، به وسیله حضور در جبهه ها می باشد، رهبری عرصه نبرد و مدیریت دفاع مقدس را بر محور شباهت جویی به آموزه های صدر اسلام با موفقیت انجام داده و جهان استکبار را از رسیدن به اهداف خود ناکام گذارند.

## ۱.۱. نتیجه گیری

یکی از راههایی که حضرت امام (ره) مفاهیم اصیل اسلامی را در فرهنگ ایران از معنا به عینیت رساندند، به کارگیری گفتمانی نوپدید، مبتنی بر متون شباهت نما به فرهنگ اصیل صدر اسلام و ائمه علیهم السلام از طریق سخنرانی ها و ایجاد ادبیات سیاسی مبتنی بر آموزه های اصیل اسلامی بود. گفتمانی که ضمن ایجاد گستره ای جدید در عرصه هویت مردم ایران به گستره جغرافیا و مفهوم نبرد نیز معنای تازه ای بخشید و ضمن هدایت و رشد و تعالی مردم ایران به عنوان وظیفه ذاتی رهبر، در قالب شباهت جویی به آموزه های اصیل اسلامی و الگوی اهل بیت توانست ۸ سال جنگ نابرابر نظام بین الملل علیه انقلاب اسلامی را رهبری نمایند و ناکارآمدی رویکردهای «انتخاب عقلایی» و «رنالیسم» را در تحلیل جنگ تحمیلی به اثبات برسانند که این نشان از اصالت راه و گفتمان فرهنگی امام (ره) دارد. موفقیت این گفتمان در جذب مشارکت های داوطلبانه در جنگ و اداره امور کشور براساس تکلیف محوری، نشان از قابل اتکا بودن این گفتمان در اعصار

و قرون آینده دارد. چرا که زمینه اسلامی مردم ایران هرگفتمانی را که برخلاف زمینه جامعه ایرانی باشد برنخواهد تابید. امام(ره) با استفاده از این گفتمان توانستند ضمن تزریق روحیه استقامت و پایداری در مردم، آنان را در برابر مشکلات جنگ و جامعه مقاوم سازند و در مجامع بین‌المللی عراق را به عنوان متجاوز تعیین نموده و حقانیت ایران را در میان مسلمانان جهان، مجامع بین‌المللی و کشورهای منطقه به اثبات برسانند. امروزه این گفتمان توسط امام خامنه‌ای (حفظه الله تعالی) در اداره بسیاری از معضلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور پی گرفته می‌شود که پرداختن به آن مستلزم مقاله دیگری می‌باشد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام خمینی (۱۳۷۸). صحیفه امام، ۲۲ جلد. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (انتشارات عروج).
۳. آرنت، هانا (۱۳۷۲). «قدرت مبتنی بر ارتباط». استیون لوکس، قدرت: فر انسانی یا شر شیطانی، ترجمه: فرهنگ رجایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. آر. کلگ، استوارت (۱۳۷۹). چارچوب‌های قدرت، ترجمه: مصطفی یونسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. ادیب زاده، مجید (۱۳۸۷). زبان، گفتمان و ساسیت خارجی، تهران: نشر اختران.
۶. الوندی، محمد (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی ویژگی‌های قدرت سیاسی در دولت مدرن با نظام جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه پاسداری فرهنگی، سال اول، شماره ۴، تابستان.
۷. رضائیان، علی (۱۳۷۹). مبانی مدیریت رفتار سازمانی، تهران: سمت.
۸. سمیر عالیه (۱۹۸۸). نظریه الدوله و آدابها فی الاسلام، بیروت: الموسسه الجامعیه للدراسات و التوزیع.
۹. شیرازی، محمد و سلیمانی، نعمت الله (۱۳۸۰). عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس؛ تبلیغات. قم: مرکز تحقیقات اسلامی.
۱۰. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه: فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات رسانه.
۱۱. محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی زمینه‌ها و پیامدها. قم: نشر معارف.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
13. Bially Mattern, Janice, (2007), "Why Soft Power isn't so Soft: Representational Force and Attraction in World Politics", in Felix Berenskoetter & M. J. Williams (ed), Power in World Politics, London & New York: Routledge.
14. Nye, Joseph, (2002), **The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone**, Oxford University Press.
15. - Fischer, Markus, (2006), "Culture and Foreign Politics", in Brenda Shaffer (ed), The Limits of Culture: Islam and foreign policy, The MIT Press Cambridge, Massachusetts.